یادداشت

نگاه کمرنگ رسانه‌ای به حوادث ناشی از کار

حمید داودی مهندس
ناظر پایه دو

همه یا از خانواده کارگرانیم یا در خانواده افرادی که به این حرفه روی آورده اند، داریم و می‌شناسیم. کافی است پای صحبت هایشان بنشینیم و بخواهیم از مشکلات و خطرات کاری‌شان برایمان صحبت کنند. بدون شک همه به این امر که شغل کارگری یا اوستاکاری در کارگاه‌های ساختمانی بسیار کار پرمشقت و خطرناکی است اذعان دارند اما اگر از همان افراد سؤال کنید خودتان چند درصد از نکاتی را که می‌دانید در اصول ایمنی باید رعایت شود، رعایت می‌کنید همه معتقدند حادثه برای همسایه است و ما خبره کار هستیم.

اگر بگویم ۵۰ درصد حوادث رخ داده به علت رعایت نکردن خود کارگران و افرادی است که در محیط‌های کاری ساختمانی هستند اغراق نکرده ام. در پروژه‌های ساختمانی بزرگ فردی مسئول رعایت اصول ایمنی در کار برای کارگران و مهندسان است و با سرکشی و تذکر افراد را مجبور می‌کند تا در کارگاه ساختمانی از کلاه و دستکش و... برای حفظ سلامت جانشان استفاده کنند، اما این نظارت‌ها هم سختگیرانه نیست چرا که در این کارگاه‌ها هم شاهد عدم رعایت اصول ایمنی هستیم. معتقدم اگر کارفرما نظارتش را بیشتر و سختگیرانه تا سر حد جریمه برای افراد خاطی کند همه بدون استثنا رعایت می‌کنند.به‌عنوان مثال کاری که مسئولان راهنمایی و رانندگی برای بستن کمربند ایمنی رانندگان کردند. در گذشته رانندگان و سرنشینان خودروها اصلاً اعتقادی به بستن کمربند ایمنی نداشتند اما با برنامه سازی‌های مختلفی که در رسانه ملی صورت گرفت و اعمال جریمه‌های سختگیرانه اکنون مردم خود را ملزم به رعایت این قانون می‌دانند و نسبت به دهه‌های گذشته بیشتر رعایت می‌کنند.

معتقدم جای رسانه ملی در این زمینه یعنی آموزش کارگران ساختمانی خالی است، چرا که می‌تواند با برنامه‌سازی و گفت‌وگو با افراد حادثه دیده در کارگاه‌های ساختمانی چشم و گوش دیگر کارگران و کارفرمایان را باز کند تا کمتر شاهد چنین اتفاقات ناگواری که می‌تواند زندگی افراد را زیر و رو کند، باشیم.

آگاه‌سازی باید دو جانبه باشد هم برای کارفرمایان تا تجهیزات مورد نیاز کارگران را فراهم سازند هم برای کارگران تا دریابند با عدم استفاده از تجهیزات فقط به جان و سلامت خود لطمه خواهند زد. همه براین باوریم که درد و بلا برای همسایه است و برای ما رخ نمی‌دهد همین موضوع هم سبب شده حتی در کارگاه‌های ساختمانی که تجهیزات ایمنی وجود دارد خود کارگران استفاده نکنند. کلاه نمی‌گذارند با این تصور که هوا گرم است و استفاده از کلاه باعث می‌شود موهایشان بریزد. شاید این توجیه یکی از خنده دارترین حرف‌ها برای عدم استفاده از کلاه ایمنی باشد اما متأسفانه وجود دارد.نقش مطبوعات و رسانه‌های تصویری همیشه در آگاه‌سازی جامعه پررنگ بوده واکنون می‌طلبد با هماهنگی‌های صورت گرفته از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و رسانه ملی برنامه‌ای تولید شود که نقش و اهمیت تجهیزات ایمنی و رعایت آن را به گوش همگان برساند. اگر با این برنامه‌سازی‌ها حتی بتوانیم جان یک کارگر ساختمانی را هم نجات دهیم به هدفمان رسیده‌ایم.

علیرضا موت اکبر/ ایران

در گفت‌وگو با «ایران» چالش ها و بار مالی «بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان آور» برای تأمین اجتماعی تشریح شد

مشاغل سختی که سخت نیستند!

هر مورد بازنشستگی پیش از موعد یک میلیارد تومان به تأمین اجتماعی ضرر وارد می کند

محدثه جعفری
خبرنگار

تابستان‌های داغ و زمستان‌های سرد را پشت سر می‌گذارد تا روزی طعم شیرین بازنشستگی را بچشد. بازنشستگی برای فردی که کارش در محیطی امن و زیر خنکای کولر است شاید آرزو نباشد اما برای او که هرروزش کار در معدن است و با روی سفید وارد عمق زمین می‌شود و با صورتی سیاه و دوده گرفته از زمین بیرون می‌زند، آرزو است. شرایط کاری طاقت فرسایی که تاب و توان آدمی را می‌ستاند و عمر خدمت را از ۳۰ به ۲۰ سال کاهش می‌دهد. بازنشستگی پیش از موعد از آن دسته تسهیلاتی است که روی خوش زندگی را برای افراد در مشاغل سخت به ارمغان آورده است. اما شاید همه از چند و چون آن آگاهی لازم را نداشته باشند. ما هم برای آگاهی بیشتر از نحوه بازنشستگی پیش از موعد سری به تأمین اجتماعی زدیم تا دریابیم چه کسانی مشمول این نوع بازنشستگی و استفاده از تسهیلات این نوع بازنشستگی هستند.

حسینعلی میرزایی رئیس اداره امور مشاغل سخت و زیان‌آور سازمان تأمین اجتماعی در گفت‌وگو با «ایران» از قانون بازنشستگی پیش از موعد و بارمالی اش می‌گوید: سختی کار در مشاغل کارگری موضوعی است که از سال ۱۳۵۹ وجود داشت به طوری که هم در سوابق کاری و هم در سن، ارفاق‌هایی برای کارگران لحاظ می‌شد. بعد از سال ۵۹ موضوع سختی کار قطع شده اما دوباره در سال ۶۷ این امر به‌صورت قانون درآمد و اجرایی شد. در آن سال موضوع سن هم مطرح شد. علاوه‌بر اینکه فرد باید ۲۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه در مشاغل سخت و زیان‌آور داشته باشد. مردان باید ۵۰ سال سن و بانوان ۴۵ سال سن داشته باشند.

وی ادامه می‌دهد: این قانون تا ۱۳۷۱ هر ساله تمدید می‌شد تا اینکه در سال ۷۱ دولت ۱۵ عنوان شغلی همچون کار در معادن، کار در محیط‌هایی که با اسید سرو کار دارند و حفر قنات و... را جزو مشاغل سخت و زیان‌آور معرفی کرد و افرادی که در این مشاغل مشغول خدمت بودند می‌توانستند از بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل کارگری بهره‌مند شوند این روال تا سال ۸۰ ادامه داشت.

میرزایی با اشاره به اینکه در سال ۸۰ شرط سنی از بازنشستگی پیش از موعد حذف شد، می‌افزاید: دولت در آن سال با اصلاح تبصره ۲ ماده ۷۶ شرط سنی را برای بازنشستگی برداشت و مشاغل سخت و زیان‌آور را به دو گروه «الف» و «ب» تقسیم کرد. گروه «الف» مشاغلی بودند که ظرف دو سال از تصویب قانون باید جمع شوند. گروه «الف» مشاغلی هستند که ذاتاً جزو مشاغل سخت محسوب نمی‌شوند و به علت‌هایی همچون عدم استفاده از وسایل ایمنی و ایمن نبودن محیط‌های کارگاهی جزو این دسته قرار داشتند. این دسته از مشاغل با استفاده از وسایل ایمنی مناسب و ایمن‌سازی محیط کار که وظیفه کارفرمایان است می‌توانند از گروه مشاغل سخت زیان آور خارج شوند. از زمان تصویب این قانون در سال ۸۰ باید تا سال ۸۲ یعنی دو سال بعد آن مشاغل گروه الف از زیرمجموعه مشاغل سخت و زیان‌آور حذف می‌شد که متأسفانه تاکنون این امر اجرایی نشده است.

رئیس اداره امور مشاغل سخت و زیان‌آور سازمان تأمین اجتماعی ادامه می‌دهد: طبق اظهارات همکارانمان در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بیش از ۱۱۰ هزار عنوان شغلی را بررسی و تأیید کردند و با بررسی مشاغل گروه «ب» ۱۵ عنوان شغلی را به ۱۳ عنوان کاهش دادند. وی با توضیح اینکه چگونه عناوین شغلی در مشاغل سخت و زیان‌آور جای گرفتند، بیان می‌کند: ابتدا باید دو نفر یعنی کارشناسان وزارت بهداشت و بازرس کار به کارگاه مراجعه و آلایندگی کارگاه را بررسی و تعیین کنند اگر آلایندگی بالاتر از حد مجاز باشد در کمیته مطرح می‌شود، کمیته این حق را دارد که سخت و زیان‌آور بودن آن شغل را تأیید یا رد کند. شاید باور نکنید اما عناوین شغلی‌هایی همچون منشی مطب، آشپز، خمیرگیر و... شغل‌هایی که حتی فکرش را هم نمی‌کنید جزو مشاغل سخت و زیان‌آور باشد که براحتی این عنوان را دریافت کردند.

میرزایی در ادامه صحبت‌هایش در خصوص چالش سازمان تأمین اجتماعی با اینگونه بازنشستگی‌ها و تبعات آن می‌گوید: طبق آیین نامه اجرایی ماده ۱۴ مشاغل سخت و زیان‌آور کسی که بازنشسته می‌شود باید ۴ درصد حق بیمه و ۴ درصد مستمری نسبت به سنوات قبل از تصویب قانون یعنی قانون سال ۸۰ را به بیمه پرداخت نماید و اگر بعد از تاریخ ۱۳۸۰/ ۷/۱۴ سختی کار داشت فقط ۴ درصد حق بیمه به سازمان پرداخت می‌شود که با توجه به اینکه در سال ۱۴۰۱ هستیم افرادی که در مشاغل سخت و زیان‌آور شاغل هستند و ۲۰ سالشان بعد از تاریخ ذکر شده کامل شود فقط همان ۴ درصد حق بیمه را پرداخت می‌کنند.

وی با طرح مثالی ضررهای وارده از مشاغل سخت و زیان‌آور به سازمان تأمین اجتماعی را توضیح می‌دهد: طبق قانون کسی که ۲۰ سابقه کار در مشاغل سخت و زیان‌آور دارد با ۱۰ سال ارفاقی می‌تواند درخواست بازنشستگی پیش از موعد دهد. سازمان فرد را ۱۰ سال زودتر بازنشسته می‌کند این یعنی ۱۰ سال حق بیمه دریافت نمی‌کنیم که هیچ، طی این ۱۰ سال زودتر مقرری بازنشستگی هم پرداخت شود. حال کارفرمایان در این بخش می‌گویند: «بیمه ۴ درصد حق بیمه را از ما دریافت می‌کند» با یک حساب و کتاب ساده مشخص می‌کنیم مبلغی که کارفرما می‌دهد و بارمالی که به سازمان وارد می‌شود چقدر متفاوت است.

فرض کنید شخصی در سال ۱۴۰۰ درخواست بازنشستگی پیش از موعد می‌دهد، طبق تبصره ماده ۷۷ قانون تأمین اجتماعی باید دستمزد دو سال آخر اشتغال فرد را جمع کنیم و متوسط این دو سال را حساب کنیم. اگر آخرین حقوقی دریافتی فرد را هفت میلیون تومان و سال قبل آن را شش میلیون تومان در نظر بگیریم. جمع آن را تقسیم بر ۲۴ ماه کنیم متوسط آن می‌شود ماهی شش میلیون و ۵۰۰ هزار تومان یعنی اگر فرد ۲۰ سال پرداختی بیمه و ۱۰ سال ارفاقی را دریافت کند می‌شود ۳۰ سال (شش میلیون و ۵۰۰ هزار تومان را در ۳۰ ضرب می‌کنیم و تقسیم بر مخرج سازمان که همیشه ۳۰ است) مستمری که هر ماه این فرد دریافت می‌کند شش میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است. حال می‌خواهیم از کارفرما چهار درصد دریافت کنیم. آخرین دستمزد فرد هفت میلیون تومان است و ۲۰ سال در مشاغل سخت و زیان‌آور کار کرده هر سال ۱۲ ماه ضرب آن می‌شود ۲۴۰ ماه. حال باید ۷ میلیون را در ۲۴۰ ماه و ۴ درصد ضرب کنیم که می‌شود ۶۷ میلیون تومان پرداختی کارفرما به بیمه.

میرزایی ادامه می‌دهد: هنگامی که فردی ۱۰ سال زودتر بازنشسته خواهد شد یعنی اگر قانون سخت و زیان‌آور نبود و قرار بود برای این ۱۰ سال هم حق بیمه پرداخت کند اگر هر سال حقوق این فرد را همان هفت میلیون تومان در نظر بگیریم بدون افزایش سالانه، سازمان ۳۰ درصد حق بیمه دریافت می‌کند. با یک حساب سرانگشتی ساده «۱۰ سال هر سال ۱۲ ماه می‌شود ۱۲۰ ماه حال این عدد را باید در هفت میلیون حقوق دریافتی فرد ضرب کنیم و دوباره ضرب در ۳۰ درصد حق بیمه سازمان کنیم چیزی حدود ۲۵۰ میلیون تومان باید فرد طی این ۱۰ سال حق بیمه پرداخت کند که با سخت و زیان‌آور شدن برخی مشاغل دیگر پرداخت نمی‌شود که هیچ طی این ۱۰ سالی که زودتر بازنشسته می‌شود ماهی ۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان هم مقرری دریافت می‌کند که ۱۲۰ ماه آن حدود ۷۸۰ میلیون تومان هزینه دربردارد. تا اینجا ضرری که به سازمان تأمین اجتماعی برای این فرد مورد مثال ما وارد می‌شود یک میلیارد و ۵۰ میلیون تومان است حال سازمان چقدر از کارفرما دریافت می‌کند، ۶۷ میلیون تومان است!

رئیس اداره امور مشاغل سخت و زیان‌آور سازمان تأمین اجتماعی با اشاره به اینکه چه مشاغلی واقعاً باید از این تسهیلات استفاده کنند، می‌گوید: شاید مخاطبان با خواندن صحبت هایم بگویند خب افراد ۲۰ سال در مشاغل سخت کار می‌کنند و جسم و جانشان در خطر است و این بازنشسته شدن زودهنگام حقشان است. آری حق است اما نه برای همه مشاغل و نه برای هر فرد! باید در کمیته‌ای مشخص شود واقعاً فرد در شغلی که خدمت کرده سختی کار داشته یا نه؟

به‌عنوان مثال در گروه «الف» شغل شاطر نانوایی بربری، درحال حاضر برخی از شاطرهای نانوایی به‌صورت سنتی و برخی به‌صورت کاملاً مکانیزه کار می‌کنند و حتی رنگ گرما و آتش را هم نمی‌بینند. هر دوی این افراد بیمه شاطر را پرداخت می‌کنند اما در محل کار یکی آلایندگی ندارد و در محل کار دیگری دارد. حال در کمیته‌های استانی آن هم با گزارش های آلاینده سنجی باید بررسی شود شغل کدام شاطر جزو مشاغل سخت و زیان‌آور محسوب می‌شود کدام یک نه.

وی با اشاره به حذف شرط سنی به چالش دیگر سازمان در خصوص بازنشستگی پیش از موعد بیان می‌کند: در یکی از استان‌ها خانم مجردی با ۲۸ سال سن بازنشسته شده است. یکی از مشکلات قانون مشخص نبودن سن کار برای افراد است. این خانم مورد مثال از ۷ سالگی در ریسندگی مشغول کار شده و از همان زمان برایش لیست بیمه رد کردند. شاید باورش سخت باشد اما بیشتر بازنشستگی‌های ما بین ۳۰ تا ۴۵ سال است، افراد فاقد سواد و از سنین ۱۰ الی ۱۲ سالگی در مشاغلی مثل ریخته‌گری، صابون پزی و... مشغول کار شده‌اند و حال در سنین جوانی بازنشسته می‌شوند. وی با اشاره به اینکه یکی از معضلات بیمه تأمین اجتماعی عدم اجرای صحیح قانون است، می‌گوید: در ماده ۷۹ قانون کار تعریف شده افراد کمتر از ۱۵ سال تمام نمی‌توانند در مشاغل سخت و زیان‌آور مشغول کار شوند، ماده ۷۵ می‌گوید خانم‌ها نمی‌توانند در مشاغل سخت و زیان‌آور مشغول کار شوند. ماده ۸۳ ارجاع کار سخت و زیان‌آور را برای کارگر نوجوان ممنوع اعلام کرده است و ماده ۵۲ می‌گوید در هفته ۳۶ ساعت بیشتر نباید کار کنند یعنی شخص در روز باید شش ساعت و نیم کار کند اما با بررسی تمام سختی کارهای سازمان متوجه می‌شود همه اضافه کار دارند، این یعنی قانون کار درست اجرا نمی‌شود.

رئیس اداره امور مشاغل سخت و زیان‌آور سازمان تأمین اجتماعی در پایان با اشاره به اینکه بزرگترین بار مالی تحمیل شده به سازمان را مشاغل سخت و زیان‌آور وارد می‌کنند، بیان می‌کند: در ماه حدود ۷۵ درصد درآمد سازمان صرف انجام تعهدات بلندمدتش می‌شود و از این ۷۵ درصد حدود ۵۰ درصد صرف بازنشستگی پیش از موعد می‌شود. مطابق آمارها تأمین اجتماعی بالای ۵۰۰ هزار نفر پرداختی برای بازنشستگان در مشاغل سخت و زیان‌آور دارد و همه ساله چیزی حدود ۳۰۰ هزار نفر برای برقراری مستمری در بخش‌های مختلفی همچون بازنشسته، از کارافتاده و بازمانده اقدام می‌کنند که در حوزه مشاغل سخت و زیان‌آور هم حدوداً سالی ۲۵ هزار نفر بازنشسته می‌شوند و اگر قانون بازنگری نشود بار مالی ناشی از اجرای قانون فعلی منجر به کسری ترازمالی سازمان تأمین اجتماعی خواهد شد.

در گفت‌وگوی «ایران» با رئیس سازمان سنجش بررسی شد

آزمون ترمیمی برای کسب سوابق تحصیلی به نفع مدارس غیردولتی

اکرم رضایی ثانی
خبرنگار

عبدالرسول پورعباس رئیس سازمان سنجش آموزش کشور در گفت‌وگو با «ایران»، گفت: با توجه به سهم ۶۰ درصد سوابق تحصیلی در کنکور سراسری، یکی از راه‌هایی که می‌توان سوابق بهتری را کسب کرد موضوع آزمون‌های ترمیمی است. آزمون‌های ترمیمی به دانش‌آموز این فرصت را می‌دهد در صورت کسب نمره نامناسب که موجب کاهش معدل او خواهد شد، مجدد بتواند در آزمون شرکت کند و نمره بهتری بگیرد، اما همین امر برای دانش‌آموزان مناطق کم برخوردار با توجه به هزینه آزمون‌های ترمیمی چندان مؤثر نیست و از طرفی مدارس غیردولتی با برگزاری کلاس‌های فوق برنامه به افزایش نمره دانش‌آموزان در کسب معدل بالا به دانش‌آموزان خود کمک خواهند کرد، چیزی که دانش‌آموزان مدارس دولتی از آن محروم هستند. این موارد با مصوبات کنکور ۱۴۰۲ به وجود خواهد آمد و نقش سازمان سنجش به‌عنوان نهاد برگزار کننده آزمون مجهول است که آیا هیچ نقشی در تعیین این مصوبات داشته یا صرفاً دستورات شورای عالی انقلاب فرهنگی را اجرا می‌کند. پورعباس رئیس سازمان سنجش آموزش کشور در این باره پاسخ‌های خود را به «ایران» ارائه داده است.

■ سازمان سنجش آموزش کشور درباره مصوبه کنکور سال ۱۴۰۲ بجز نقش اجرایی چه نقشی داشته است؟

چه کارشناس کنکور، چه قانونگذار، چه مجلس و چه شورای عالی انقلاب فرهنگی نظرات تخصصی را قطعاً می‌دانند. پیش از اینکه شورای عالی انقلاب فرهنگی بخواهد هر تصمیمی بگیرد، جزئیات آن را به ما می‌دهند و ما با داده‌هایی که در اختیار داریم آنها را هماهنگ می‌کنیم. سپس یک منطقه را برای نشان دادن نتایج این تصمیمات به‌عنوان منطقه پایلوت انتخاب می‌کنیم؛ لذا نقشی در تصویب نداریم ولی کار کارشناسی و مشاوره را به آنها می‌دهیم که به بهترین تصمیم برسند.

■ این انتقاد وجود دارد که برگزاری کنکور به‌صورت دو مرتبه در سال بیشتر موجب ایجاد استرس در داوطلبان می‌شود زیرا به شکل مستمر ادامه دارد، نظر شما در این زمینه چیست؟

برگزاری آزمون سراسری در یک دوره سه‌ساعته آن هم در یک روز اتفاق خوبی نیست زیرا به هر حال ممکن است در همان روز کنکور اتفاقی برای شخص داوطلب رخ دهد که نتواند در آزمون شرکت کند، یا دچار استرس شود که طبیعتاً تا سال آینده فرصتی برای جبران ندارد. در عین حال اگر این سه‌ساعته یک روزه به دو، سه ساعت طی دو آزمون تقسیم‌بندی شود نه تنها اشکالی ندارد بلکه می‌تواند بهتر هم باشد. وقتی کنکور در دو نوبت برگزار شود، داوطلب به اختیار در یک نوبت آن شرکت کند. ما حتی در حال رفتن به سمتی هستیم که شاید بتوان کنکور را شش بار در سال برگزار کرد تا داوطلب یک یا دو بار از آن را انتخاب کند. وقتی این اتفاق بیفتد اگر فرد آماده نباشد ماه بعد در آزمون شرکت نمی‌کند و نهایتاً یک بار در سال ممکن است اتفاق خاصی برای او رخ دهد که مانع از شرکت در آزمون شود. به طور کلی اگر آزمون سالی چند بار برگزار و تکرار شود افراد آرامش بیشتری دارند و اگر یک بار آماده نبودند یا یک بار نتیجه خوبی از آزمون کسب نکردند، باز فرصت دارند که در دفعات بعدی نیز شرکت کنند.

■ اغلب داوطلبان تصور می‌کنند با این رویه جدید، چند نوع پذیرش برای آنها وجود دارد، چنین چیزی در دستور کار است؟

این طور نیست ما فقط یک پذیرش داریم اما چندین بار آزمون برگزار می‌کنیم. فرد می‌تواند بهترین نمره را برای قبولی بگیرد و این بهترین آتارش برای داوطلب است، بنابراین پذیرش صرفاً یک بار و آن هم در مهر ماه است. وقتی فرصت جبران باشد بهتر است و آسایش و آرامش بیشتر و استرس کمتری برای داوطلب دارد. در قانون جدید سوابق تحصیلی حدود ۶۰٪ خواهد شد. سابقه تحصیلی برای رسیدن نقطه قبولی چیز خیلی مهمی است؛ یعنی کنکور ۴۰٪ و سوابق تحصیلی سه سال دبیرستان ۶۰٪ تأثیر دارد و اگر خوب مدیریت نشود به طور طبیعی همین فرایندی که برای آزمون سراسری بود به آنجا می‌رود. راهکار ما برای افرادی که نتوانستند نمرات قابل قبولی را کسب کنند این است که با آموزش و پرورش صحبت کنیم تا فرصت ترمیم برای بچه‌ها ایجاد شود. با شرکت در آزمون ترمیمی داوطلب می‌تواند نمره خود را اصلاح و حتی آزمون خود را تکرار کند.

■ هر فرد چندین بار می‌تواند در آزمون‌های ترمیمی شرکت کند؟

برای اینکه آزمون ترمیم شود باید تعدد برگزاری داشته باشیم؛ به‌عنوان مثال زمانی که داوطلب آزمون داد اما موفقیت آمیز نبود، می‌تواند مجدداً در آزمون بعدی شرکت کرده و مرتب تکرار شود و فرصت ترمیم نمره وجود داشته باشد که اگر این اتفاق بیفتد خود تعدد آزمون‌ها برای بچه‌ها آموزش می‌شود و افراد از چند آزمونی که شرکت کردند بهترین نمره را انتخاب می‌کنند. لذا اگر در آموزش و پرورش خوب عمل شود و تکرار آزمون‌ها و فرصت ترمیم آزمون‌ها را بدهند خوب است.

■ اکنون مافیای کنکور در چهره دیگری با عنوان افزایش نمرات برای سوابق تحصیلی درخشان وارد مدارس می‌شوند و به گونه دیگری دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان را تحت فشار می‌گذارند، زمانی سوابق تحصیلی تعیین تکلیف می‌شد چطور نقش مافیای کنکور در این زمینه نادیده گرفته شد؟

مافیای کنکور یا شرکت‌هایی که به هر شکلی در این حوزه کار می‌کنند و از این بازار سود می‌برند به این دلیل است که داوطلبان سه ساعت بیشتر فرصت ندارند و افرد باید از هر جهت خود را آماده کنند و داوطلبان فکر می‌کنند این شرکت‌ها بلدند آنها را آماده کنند بنابراین به این شرکت‌ها متوسل می‌شوند اما اگر داوطلب احساس کند همین آزمون‌هایی که شرکت‌ها می‌گیرند ما هم در آموزش و پرورش یا سنجش برگزار می‌کنیم با این تفاوت که آزمون ما رسمی است، بنابراین در آزمونی شرکت می‌کنند که شانس رسمی بودن بیشتری دارد. بنابراین اگر خوب مدیریت شود و فرصت تکرار آزمون‌ها برای داوطلب فراهم باشد آنها خیلی به سمت مافیای کنکور کشیده نخواهند شد.

■ با توجه به هزینه بر بودن آزمون‌های ترمیمی، برگزاری آن برای دانش‌آموزانی که توان پرداخت هزینه‌ها را ندارند در مقابل سایر دانش‌آموزان منجر به بی‌عدالتی آموزشی خواهد شد. تأثیر این در روند آزمون‌ها برای دانش‌آموزان کم بضاعت چه خواهد بود؟

این یکی از مشکلات ماست و باید برای آن فکری کرد. باید به سمتی حرکت کنیم که برگزاری آزمون‌های ترمیمی برای افرادی که مشکلات مالی دارند مسأله‌ای ایجاد نکند و حتی باید رایگان برگزار کنند. فکر نمی‌کنم در آینده رقم سنگینی برای تکرار آزمون‌ها داشته باشیم، البته که تلاش داریم این موضوع را مدنظر قرار دهیم. اول باید طرح و پیشنهاد راه‌اندازی شود و پس از آن باید در نظر داشته باشیم که پرداخت هزینه آزمون ترمیمی ممکن است برای برخی افراد زیاد باشد.

■ در نظر گرفتن سوابق تحصیلی سه پایه دهم، یازدهم و دوازدهم موجب تسری استرس روی دانش‌آموزان این سه دوره شده، بنابراین نه تنها استرس کاهش نیافته بلکه به پایه‌های پایین‌تر هم رسیده است. ضمن اینکه در مدارس غیر دولتی با وجود کلاس‌های فوق برنامه طبیعتاً روی نمرات و سوابق تحصیلی خیلی خوب کار می‌شود و مرتباً فوق برنامه می‌گذارند ولی در مدارس دولتی هیچ برنامه‌ای برای این موضوع ندارند. آیا در اینجا تفاوت فاحش بی عدالتی آموزش محسوس نیست؟

این یک امر طبیعی است؛ وقتی ما از اهمیت و نقش سه سال تحصیلی در کنکور صحبت می‌کنیم، این سه سال برای همه حساس می‌شود و راه مناسب برای اینکه چنین حساسیتی را مدیریت کرد این است که در این سه سال فرصت داشته باشند سال اول و دوم را ترمیم کرده و سال‌های پس از آن را هم بتوانند ترمیم کنند، از این رو آنها اگر بتوانند نمرات خود را ترمیم کنند فشار خیلی کم می‌شود. اگر گفته شود در سال دوازدهم حق دارند آزمون دهند استرس بالا می‌رود اما اگر بگویند سال دوازدهم دیپلم بگیرند و سال بعد اگر خواستید ترمیم کنید لذا استرسی وارد نمی‌شود و موجب خواهد شد تا داوطلب خود را برای آزمون اصلی آماده کند. اگر گفته شود پس از هر سال می‌توانند آن سال را ترمیم کنند سخت است ولی اگر بگویند سال‌های بعد فرصت ترمیم هست بهتر است. یک پیشنهادی که ما به آموزش و پرورش داریم این است که آن نمراتی را که ملاک قبولی سال دهم، یازدهم و دوازدهم هستند با کل سوابق تحصیلی به دو نمره مجزا تقسیم کنند؛ زیرا سابقه تحصیلی مرتباً مورد نیاز است و ملاک قبولی یا رد شدن افراد هم نیست پس بهتر است یک تفکیک میان نمرات سه پایه مذکور با سوابق تحصیلی صورت بگیرد. در حالی که اگر همان نمره‌ای که قبول شده را ملاک قرار دهیم کار سخت می‌شود و شرایط را پیچیده می‌کند. لذا باید برای فرایند تولید سوابق تحصیلی در سال دهم، یازدهم و دوازدهم یک فرایند مجزا تعریف شده و از روند طبیعی مدارس خارج شود زیرا به هر حال امکانات آموزشی متفاوت است.

■ اما در این بازهم برد با دانش‌آموزان غیردولتی است.

اینجا رقابت مانند رقابت کنکور می‌شود یعنی فرصت ترمیم دارند و چون فرصت ترمیم دارند می‌توانند خودشان در کنار همکلاسی‌ها درس بخوانند و خودشان را بالا بکشند؛ البته که بسیاری از دانش‌آموزان به همین شیوه عمل می‌کنند و این طور نیست که حتماً به مجموعه‌ها یا کلاس‌های کنکور مراجعه کنند. آمارهای قبولی نشان می‌دهد در روستاها و شهرهای کوچک و همین‌طور مدارس معمولی کوچک داوطلبان بسیار خوبی با رتبه خوبی از آن مدرسه‌ها بیرون می‌آیند.

■ با توجه به اینکه کنکور روی دروس تخصصی متمرکز شده و سهم دروس عمومی ۶۰ درصد است، چرا دروس عمومی در مدارس توسط معلمان و حتی دانش‌آموزان دیگر جدی گرفته نمی‌شود و بیشتر تمرکز خود را روی ۴۰ درصد تأثیر قطعی گذاشته‌اند؟

دروس عمومی در آمار سوابق تحصیلی جای می‌گیرند و نمره‌های دروس عمومی به‌عنوان سوابق تحصیلی بسیار حائز اهمیت است پس باید توجه بیشتری به آن شود. برای دبیرستان ۶۰٪ سوابق تحصیلی است و بیشترش دروس عمومی و بخشی از آن دروس تخصصی است و چهار درس عمومی در دبیرستان ۶۰ نمره آزمون سراسری را می‌سازد.

■ آیا قرار است برای سال بعد سوابق تحصیلی افزایش پیدا کند؟

طبق مصوبه اصلاحیه شورای عالی انقلاب فرهنگی سوابق تحصیلی پایه دوازدهم برای سال ۱۴۰۲ در نظر گرفته خواهد شد. پایه یازدهم برای سال ۱۴۰۳ و بعدتر از آن و پایه دهم برای سال ۱۴۰۴ مد نظر خواهد بود؛ یعنی سالی یک پایه اضافه می‌شود. سوابق تحصیلی امسال ۴۰ درصد مثبت است و سال بعد برای پایه دوازدهم ۶۰ درصد مثبت می‌شود.

سایت سنجش